

## نگاهی به فیلم «تابستان داغ» پایانی خوش با حادثه‌ای وحشتناک! روایا سلیمی



اولین ساختهٔ ابراهیم ایرج زاد؛ با مفهوم سفر و جا به جایی آغاز می‌شود. زوجی که بر سر تغییر مکان زندگی برای تغییری دیگر در مسیر پیشرفت کاری درگیرند و زوجی که برای فرار از شرایط موجود؛ به جا به جایی تن می‌دهند. تفاوت اما در طبقه اجتماعی و نتیجه‌ای است که جا به جایی برای خانواده‌ها در پی خواهد داشت.

داستان از اختلاف زوجی صحبت می‌کند که بر سر سفر به همدان و زندگی در آنجا با یکدیگر اختلاف دارند و زوجی که قبل از طلاق؛ این جدایی را با تغییر مکان زندگی آغاز می‌کنند. سرنوشت این دو در ادامه با اتفاقی وحشتناک گره می‌خورد؛ مینا ساداتی برای پیشرفت کاری خود فرزندش را به نسرین- پرنیز ایزدیار- می‌سپارد. اما یک سهل انگاری، ماجرا را به گونه‌ای دیگر پیش می‌برد. بحث برخورد و تقابل میان دو طبقه اجتماعی در ایران معاصر، از ویژگی‌های بسیاری از فیلم‌های این روزها در سینمای ایران است. تقابل دو تفکر دو شیوه زندگی و دو سرنوشتی که ناخواسته به یکدیگر گره می‌خورد و در انتها نگاه فیلمساز بر این دو طبقه و آینده ای که برای آنها متصور است، پایان بندی اثری اجتماعی را رقم خواهد زد. در تابستان داغ در کنار برخورد و تقابل میان این دو طبقه اجتماعی، دو طیف دیگر نیز به رسمیت شناخته می‌شوند و مشکلات و مسائلشان مطرح می‌شود: زنان و کودکان.

زنانی که به دلیل تغییر شرایط اجتماعی و حضور پررنگتر خود در اجتماع با موانعی روبرو هستند و میان فردیت و نگاه به آینده و نقش اجتماعی خود در نهاد خانواده به عنوان همسر و مادر؛ به شدت در خود غرق می‌شوند و حفظ همزمان هر دو نقش در کنار فشارهای اجتماعی آنها را آسیب پذیرتر و شکننده تر از پیش می‌کند.



دو زسی که هر کدام به دلیلی مجبور و خواهان فعالیت اجتماعی‌اند، اولی به دلیل شرایط بد اقتصادی و نبود ثبات در زندگی زناشویی و دومی‌برای رسیدن به آرزوها و بهره‌مندی از موقعیتی که جامعه و خانواده برای پیشرفت در دیگر حوزه‌ها برایش فراهم کرده است و در کنار مفهوم رایج از تصویر زنی ایرانی؛ تصویری دیگر را نیز در ذهن متصور می‌شود.

این دو شخصیت در سرنوشت و آینده دو کودکی که فیلمساز به خوبی آنها را در شرایط فعلی مورد توجه قرار داده است؛ نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. مادری شاغل و فردگرا که به هر قیمتی می‌پذیرد فرزندش در خانه پرستاری نه چندان آشنا بماند تا او به شفقت شب خود در بیمارستان برسد و مادری که برای رسیدگی به شرایط نابسامان خانوادگی خود، فرزندش را تنها می‌گذارد و دایره مشکلاتش دویمینوار گسترش پیدا می‌کند.

دنیای کودکانی که مادران شاغل و فعال در اجتماع دارند؛ در این فیلم در چند سکانس به خوبی نمایش داده می‌شود. پرهام شخصیتی شکننده، تنها، مظلوم و غمگین است که میان خانه، بیمارستان کودکی‌اش تباه می‌شود و این تباهی تا مرگش ادامه می‌یابد. او که بسیار تنهاست با شخصیت‌های کاروتنی چون باب اسفنجی و پوپ بهترین لحظه‌های زندگی‌اش را می‌گذراند و حتی در حضور پدر و مادر نیز بازی‌های کامپیوتری تنهایی او را پر می‌کنند.

نمایش سینمایی شرایط غمگین و تامل برانگیز پرهام؛ از ویژگی‌های مثبتی است که تابستان داغ را در میان آثار اجتماعی دیگر متمایز می‌کند و علی رغم نقدی که بر دیر شروع شدن گره داستان در میان منتقدین از این اثر دیده می‌شود؛ به نظر می‌رسد در نیمه نخست نمایش باحوصله و قدم به قدم تنهایی این کودک بیش از هر چیز، مفهومی‌فرامتن از فیلمنامه را به مخاطب القا می‌کند تا جایی که سرنوشت دهشتناک کودک، مخاطب را بیشتر درگیر داستان او می‌کند. نکته دیگر، شخصیت و شرایط دختر نسرین است. این شخصیت در عین حال که کودکی تنهاست و می‌تواند امور روزانه خود را بدون کمک مادر انجام دهد؛ به نظر می‌رسد در نبود مادر و پدر؛ شرایط هستند که او را آماده مواجهه با اتفاقات و آینده‌ای می‌کنند که او می‌خواهد در آن زیست کند. زیستی همراه با دورغ – نینامدن پرهام به منزل آنها- ، پنهان کاری – شستن روفرشی برای پنهان کردن اشتباه خود از مادر- سکوت و بی توجهی به فاجعه ای که او تنها شاهد آن است. کودک همواره در جهان داستان نهاد آینده و نسلی است که سرنوشتش وابسته به شرایط حال و اجتماعی است که او در آن قرار است شخصیت و هویت خود را تعریف کند. دختر نسرین برای اجتماعی شدن در بستر خانواده ناسدی ندارد و این اجتماعی شدن در چالش‌های اجتماعی و اخلاقی او را به سسنتی می‌برد که آینده‌ای ناروشن را درسیم خواهد کرد. آینده ای که در آن کودکان در سهل‌انگاری، فردگرایی و مشکلات پیچیده اقتصادی و اجتماعی والدین؛ قربانی هستند. در این دنیای پسر از تضاد زنان، کودکان سرنوشتی متفاوت ندارند. نابودی و نابودی!



اما پس از وقایع حادثه، حادثه ای که کارگران به خوبی می‌تواند آنرا نمایش دهد و مخاطب را با خود همراه کند؛ گوئی قصه رها می‌شود و به سرعت پایان می‌یابد. پدر پرهام با فهمیدن خبربارداری همسرش، از اشتباه او چشم پوشی می‌کند و آنها راهی همدان می‌شوند (همان گرهی که در ابتدای فیلم مطرح است) و نسرین و شوهرش نیز در کنار هم زندگی می‌کنند. گرهی که در ابتدای فیلم مطرح است) هر چند که منظور فیلم این نیست؛ اما گوئی اتفاق مرگ پرهام نابودی آینده شخصیت دختر نسرین؛ سرآغازی برای حل مشکلات خانوادگی آنهاست.

## «امبرسون‌های باشکوه» در دسترس شما

رمان «امبرسون‌های باشکوه» نوشته بوث تارکینگتون؛ برنده جایزه پولیتزر از سوی نشر متیس به بازار آمد.

نویسنده این کتاب که در کنار ویلیام فالکنر و جان آیدایک جایزه پولیتزر را دو مرتبه برده، بوث تارکینگتون، رمان‌نویس و دراماتیسست آمریکایی است که اگرچه هرگز از دانشگاه محل تحصیلش پرینستون، مدرکی نگرفت، اما بارها نامزد و برنده جوایز ادبی و مدارک افتخاری شد و آثارش بارها در لیست پرفروش‌ترین‌ها قرار گرفته و اقتباس سینمایی شدند.

تارکینگتون که خود زاده اواخر قرن نوزده، یعنی عصر طلایی ظهور تحولات گسترده اقتصادی و اجتماعی در آمریکا و آغاز موج مهاجرت به این کشور بود برای توصیف‌هایش از آمریکای در حال رشد روزگارش شهرت دارد. توصیف او از این رشد، نه تنها خود آمریکا، به‌عنوان یک کشور، که تاثیر همین رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر شهروندان را در رمان‌هایی از جمله پن راد، جولیای نجیب و هفده شامل می‌شود. سه گانه رشد او نیز از این قاعده مستثنی نیست.

این سه گانه، مجموعه سه رمان با محوریت موضوعی رشد است: شماره یک: آشوب، دو: امبرسون‌های باشکوه و سه: میدلند‌های یا خیابان ملی. سرش در این مجموعه، امبرسون‌های باشکوه، برنده پولیتزر ۱۹۱۹، از جمله صد رمان برتر قرن بیستم به انتخاب مادرن لاپیرری و اقتباس‌شده برای‌هالیوود به دست اورسن ولز در سال ۱۹۴۲، از جمله معروف‌ترین و شناخته‌شده‌ترین آثار او است. این رمان داستان مرگِ «پول کپتنه» و ظهور سرمایه‌داران جدیدی است که از هر فرصتی به به هر قیمتی در پی پول جدید هستند. رشد مانند موجی مهیب در عرض چند سال آمریکا را متحول می‌کند، بسیاری که نمی‌توانند خود را با آن وفق دهند، فرو می‌افتند. با سقوط سرمایه‌داران قدیمی، تازه‌به‌دوران‌رسیده‌ها از هر گوشه بیرون می‌زنند و به طریقی رشد می‌کنند.

جورج امبرسون مینافر، شخصیت اصلی رمان امبرسون‌های باشکوه، در میانه این آشوب دوران نوجوانی خود را پشت سر می‌گذارد. او پسری است به شدت مغرور که به پول و ثروت پدربزرگش بسیار غره است، اما حالا رشد آمریکا با رشد او متقارن شده است. او با سرسختی از تغییر سر باز می‌زند و این رشد را پدیده‌ای اضافه می‌داند، اما آیا او می‌تواند برخلاف این جریان رفتن را تاب بیاورد؟ این سوالی است که رمان درباره آن به اظهارنظر می‌پردازد.

## «سوپ مکزیک»، گزیده داستان‌های مینیمالیسم ادبی جهان

کتاب «سوپ مکزیک» شامل گزیده داستان‌های مینی مال ادبیات جهان با ترجمه توحید تیموری توسط نشر داستان منتشر و راهی بازار نشر شد. نشر داستان به تازگی ۳ کتاب داستانی از آثار نویسندگان داخلی و خارجی چاپ کرده که ۲ عنوان آن، از نویسندگان ایرانی و یک عنوان دیگر ترجمه است.

یکی از این کتاب‌ها، «سوپ مکزیک» شامل گزیده داستان‌های مینی مال ادبیات جهان است که توسط توحید تیموری به فارسی برگردانده شده است. این مجموعه، داستان‌های کوتاهی از ارنست همینگوی، ریچوند کارور، آن بیتهی، بابی آن میسون، فردریک بارسلیم، گریس پایلی، ماری رایسون، تویباس وولف، کارسون مک کارلز و ریچارد یاتس را در بر می‌گیرد. در انتخاب و ترجمه داستان‌های این کتاب سعی شده گزیده آثاری از مهم‌ترین نویسندگان کمینه انگساری ادبی، به خوانندگان ارائه و معرفی شود. این کتاب با ۱۲۸ صفحه، شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۱۴ هزار تومان منتشر شده است.

## «سایه تاک» در کتابفروشی‌ها

خاطرات رحیم افشاری از افسران پیاده‌نظام چترپاز در قالب کتابی با عنوان «سایه تاک» منتشر شد. انتشارات سوره مهر کتاب «سایه تاک» شامل خاطرات سروان پیاده چترپاز، رحیم افشاری را به کوشش راحله صبوری منتشر کرد. این کتاب بسر مبنای زندگی گروهبان یکم پیاده رحیم افشاری، از نیروهای قدیمی‌تیپ ۵۵ هواپد شیراز و در قالب ۱۰ روایت مستقل اما پیوسته نگارش یافته است.

این روایت‌ها به گفته صبوری، ابتدا به شیوه معمول خاطره‌نگاری از طریق مصاحبه جمع آوری شده و در ادامه تمامی مصاحبه‌ها به صورت کامل پیاده و مکتوب شده است و بر مبنای این مصاحبه‌ها متن کتاب از زاویه دید مولف و بر اساس اولویت‌های انتخابی او برای انتخاب و چینش حوادث در کتاب قرار گرفته است. صبوری در بخشی از مقدمه خود در این کتاب می‌نویسد: همیشه اینطور به نظر رسیده که تاریخ شفاهی هر جنگی فقط در دست رزمنده و خط‌شکن است اما این کتاب نشان می‌دهد حتی کسانی که کیلومترها با خط مقدم فاصله داشته و مسئولیت‌هایی غیر از خط‌شکنی بر عهده داشته‌اند، دیده‌ها و شنیده‌هایی دارند که می‌توانند موقعیت‌های تاریک و مهمی‌از آن جنگ را برای ما مشخص و ترسیم کنند. خاطرات رحیم افشاری یک نظامی ساده است، شرح فراز و نشیب‌هایی است که بر او و هم رزمانش رفته و شاهد خوبی است بر این مدعا که برای پی‌بردن به تمام رمز و رازها و گوشه‌های تاریک آن جنگ شاید بهتر باشد ابعاد انسانی جنگ را دریابیم؛ حتی آن لحظاتی که رزمندگان تصمیم می‌گیرند قدم به میدان جنگ بگذارند و لحظاتی که گلوله‌ها در کمینشان هستند و مرگ و زندگی آن‌ها را رقم می‌زنند را دریابیم، ببینیم و بشنویم.

«سایه تاک» را نشر سوره مهر در ۲۱۰ صفحه با قیمت ۱۰ هزار تومان منتشر کرده است.

## مدح آلن بدیو از عشق چاپ شد

کتاب «در مدح عشق» اثر آلن بدیو و نیکلاس ترונگ به تازگی با ترجمه مشترک بابک داورپناه و امیرهوشنگ افشاری راد توسط نشر چشمه منتشر و راهی بازار نشر شده است. این کتاب دوازدهمین عنوان از مجموعه «پرتاب‌های فکر» و شصت و دومین عنوان مجموعه «لفسه» است که این ناشر چاپ می‌کند. امیرهوشنگ افشاری راد دبیر مجموعه «پرتاب‌های فکر» درباره انتشار آن می‌نویسد: این مجموعه نه بر مقتضای بازار کتاب وخالسی در آن، بلکه با داعیه باز کردن فضای تهی (به درون، نه بیرون) در میان قفسه‌های پیوسته انبوه کتاب منتشر می‌شود. او همچنین می‌نویسد: این آثار دارای نگرش انتقادی تاریخی هستند که امروز خود دست کاری شده یا در نشر ایده‌ها و کتاب‌ها همز شده و تحت عنوان رشته‌ای مطالعاتی در آمده اند، اما در عین حال می‌خواهند حامل محتوایی به زعم آذرونو، بدون مقصود باشند؛ محتوایی که چه بسا مقصود خود نویسنده نبوده است، بلکه خواننده منتقد آن را باز می‌یابد. کتاب «در

مدح عشق» گفتگو و کلنجارهای آلن بدیو و نیکلاس ترונگ را در بر می‌گیرد. بدیو درباره این کتاب می‌گوید: اکنون کمی‌باد به غیغ خود می‌اندازیم؛ نیکلاس پرسش‌هایی را پرسید و من نقش مبهم یک فیلسوف عشق را بازی کردم، با هم خوب کار کردیم و موفق شدیم. تردیدی نیست که تیرمان درست به هدف نشست. متنی که می‌خوانید تفصیل چیزی است که آن روز گفتیم. ریتم خودانگیزخته وضوح و نیرو را حفظ کرده است، اما بی‌نقص‌تر و قاطع‌تر. این کتاب به غیر از مقدمه کوتاه‌اش، ۷ بخش دارد که به ترتیب عبارتنداز: عشق در معرض تهدید، فلسفه و عشق، برساختن عشق، حقیقت عشق، عشق و سیاست، عشق و هنر، در پایان، این کتاب با ۸۵ صفحه، شمارگان هزار نسخه و قیمت ۷ هزار و ۵۰۰ تومان منتشر شده است.

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

چه رابط‌های میان سیاست و عشق وجود دارد؟ آیا این رابطه چنین است که سیاست نیز مستلزم رخدادها و اظهارات و وفاداری‌هاست؟

طبق دیدگاه من، سیاست پدیدآورنده رویه حقیقت است، اما رویه ای است که حول امر جمعی می‌گردد؛ منظورم این است که کنش سیاسی ملاکی است برای حقیقت آن چه امر جمعی قدرت انجام دادنش را دارد؛ من باب مثال، آیا سیاست می‌تواند در برآوردن برابری باشد؟ آیا می‌تواند چیزی را چندگون است ادغام کند؟ می‌تواند بپذیرد که تنها یک جهان وجود دارد؟ چیزهایی از این دست، سرش سیاست می‌تواند ذیل این پرسش قرار گیرد: افراد زمانی که می‌فهمند، سازمان دهی می‌کنند، فکر می‌کنند و تصمیم گیری می‌کنند، چه کار می‌توانند بکنند؟ در عشق مسئله این است که دو نفر قادر می‌شوند تفاوت را لمس و آن را خلاق کنند؛ در سیاست، مسئله دانستن این است که آیا شماری از مردم، توده ای از مردم، به واقع می‌توانند برابری را خلق کنند؛ و دقیقاً همان طور که خانواده در سطح عشق وجود دارد که تاثیر عشق را اجتماعی کند، در سطح سیاست قدرت دولت وجود دارد که شور و هیجان سیاست را فرو نشاند و سرکوب کند. همین رابطه ناجور میان سیاست به منزله روش عملی و جمعی فکر کردن از طریق موضوع قدرت، در رابطه با دولت به منزله ابزار مدیریت و نظم دهنده قدرت و موضوع عشق در رابطه با ابداع مهارت‌شدنی دو خانواده به منزله واحد بنیادین مالکیت و خودمجوری، وجود دارد.

# پیشنهادهای خواندنی برای آخر هفته شما



## خاطرات یک «نامه‌رسان»

خاطرات اسیر آزاد شده ایرانی «محمد منصور» از حضور در زندان‌های رژیم بعث که به کوشش ساسان ناطق تدوین شده است از سوی انتشارات سوره مهر در قالب کتاب «نامه رسان» منتشر شد.

محمد منصور صوری از آزادگان دفاع مقدس و از کارمندان اداره پست ایلام است. وی در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی‌در شهر بغداد سکونت داشته و پس از انقلاب اسلامی‌به ایران بازمی‌گردد و به استخدام اداره پست ایلام در می‌آید و به دنبال آن در شهرهایی مانند موسیان نیز خدمت کرده است.

خاطرات وی در دو بخش قابل تامل است. نخست روایت‌هایی که او از وقایع شهر ایلام در روزهای پیش از آغاز رسمی‌هشت سال دفاع مقدس و دیگری روایت او از اسارت در عملیات والفجر ۱۰ در سال ۶۶ و تحمل اسارت در زندان صدام که از زاویه‌سه دید او خواندنی و عبرت‌آموز است.

این کتاب پیش از تدوین توسط ساسان ناطق، در قالب مصاحبه فرهاد شاه‌امردیان با منصورى در پروسه تولید قرار می‌گیرد و پس از وی نیز خسرو عباسی در پیاده کردن و تنظیم این گفتگو کوشش می‌کند. در این میان ساسان ناطق با خواندن این متن تصمیم به انجام مصاحبه تکمیلی با راوی و برخی از دوستان وی می‌گیرد که حاصل آن در نهایت مبدل در کتاب «نامه رسان» می‌شود.

این کتاب در قالب بیستم‌ فصل تدوین شده است و شرح زندگی او با شروع از دوران اسارت وی است.

## «رمانی با یک طوطی»



کتاب با نثری ساده و روشن به مسئله غلبه نگرش تجاری و سرمایه‌داری بر دانش و فرهنگ می‌پردازد، مشکلی که ظاهراً ابعادی فراگیر و جهانی به خود گرفته است.

این کتاب غیر از این، به موضوعات جالب‌توجه دیگری نیز پرداخته است. نقش و جایگاه شعر و شاعری در جامعه امروز روسیه‌به از جمله مسائلی است که در رمان پیوسته دربرارهاش صحبت می‌شود. همچنین به خوبی نشان داده می‌شود مسئولان و کارمندان سابق نهادهای دولتی و امنیتی امروز چگونه با چهره‌ای به‌ظاهر موجه در جمع خودی نشان می‌دهند و همچنان اهرم‌های زندگی جامعه را در دست دارند.انتقادهای گاه تندبیزی هم از حکومت وقت شوروی در گوشه و کنار اثر مشاهده می‌شود و اصولاً در برخی از صفحات احساس می‌شود کنایه‌های را که محل وقوع ماجرات، می‌توان نمادی از کل روسیه دانست و رخداده‌ها را به کل مملکت تعمیم داد.

نشر ماهی این کتاب را با آگاهی و اجازه نویسنده و خرید حق کپی‌رایت آن منتشر کرده است.



و تصمیم می‌گیرد که دیگر پایین نیاید. این درخت نشینی که در دوره نوجوانی نوعی لجبازی یا خانوادہ است در جوانی و بزرگسالی به انتخابی آگاهانه تبدیل می‌شود.

کالوینو از مهمترین نویسندگان ایتالیایی در قرن بیستم است که فضای انتقادی آثارش او را به نویسنده‌ای تاثیرگذار و قابل توجه در ایتالیا مبدل کرد. وی تحت‌تاثیر شغل پدر و مادرش به شکل مشهودی به طبیعت گرایی در آثارش توجه دارد که در این اثر نیز این مساله به خوبی مشهود است. کتاب صوتی «بارون درخت‌نشین» از سوی موسسه اوانامه دانش‌گستر با همکاری موسسه انتشارات نگاه تولید شده است.



## «هیچ چیز یادم نمی‌آید» چاپ شد

کتاب «هیچ چیز یادم نمی‌آید» نوشته نورا افرون به تازگی با ترجمه سهیلای ایمانی توسط نشر ققنوس منتشر و راهی بازار نشر شده است. نسخه اصلی این کتاب در سال ۲۰۱۱ توسط انتشارات قوی سیاه چاپ شده است. نورا افرون نویسنده، روزنامه‌نگار، تهیه‌کننده و کارگردان آمریکایی در سال ۱۹۴۱ متولد و در سال ۲۰۱۲ درگذشت. کتاب پیش رو حاوی مطالب و مقالات طنزآمیز این نویسنده است که در آن‌ها از نویسندگی در روزنامه، طلاق، ارثی که انتظارش را می‌کشیده و… نوشته است. افرون برای فیلمنامه‌های «سیلک وود»، «بی خواب در سیاتل» و «وقتی هری سنالی را دید…» نامزد جایزه اسکار بهترین فیلمنامه اصلی شد. او جایزه بفتا را برای فیلمنامه «وقتی هری سرری را دید…» در کارنامه دارد. آخرین فیلم این کارگردان نیز با عنوان «جولی و جولیا» نامزد جایزه گلدن گلوب شد. در کتاب «هیچ چیز یادم نمی‌آید» نورا افرون، گذشته، حال و آینده را با سردی، سنگدلی و طنز روایت کرده است. او برای فراز و نشیب‌های زندگی مدرن افسوس می‌خورد و با خرد است. به خاطر آورده، پیش از ابتلا به آلزایمر، یادآوری کرده است. در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

فریدمن فقط ستون نویس بزرگ ترین روزنامه دنیا نیست، شغل دیگری هم دارد. سخنران است. امروزه خیلی از افراد، اغلب مردها، سخنران هستند. آن‌ها به گونه‌ای معیشت خود را می‌گذرانند اما شغل واقعی‌شان حضور در همایش‌هایی مانند این همایش است. بعضی از این شرکت‌کنندگان بازگردد و بعضی‌ها فقط روزنامه نگارند. اما برای مدت کوتاهی، همه سرر میزگرد با هم برابر می‌شوند. سخنرانان برنامه را در برابر بینندگان، که افراد معمولی هم جزو آن‌ها هستند، اجرا می‌کنند. اجرای واقعی آن‌ها برای همدیگر در جاهایی مانند همایش فورسکویر در نیویورک و جشنواره تابستانی مدیرعاملان شرکت هربرت آلن در شهر سان ولی است. سخنرانان وظیفه دارند هرگونه باور همگانی را که در حال حاضر وجود دارد در جای خود قرار بدهند و به آن اعتبار قانونی ببخشند.

این کتاب با ۱۴۴ صفحه، شمارگان هزار و ۱۰۰ نسخه و قیمت ۹ هزار و ۵۰۰ تومان منتشر شده است.